

قاعده طلایی برای سعادت دنیا و آخرت

مصطفی میرمحمدی

پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (ص)، دارای **جوامع الکلم** است. **کلمات جامع آن حضرت (ص)** همانند قرآن، مفید و مبین حقایق هستی است. **آموزه‌های آن حضرت (ص)** سبک زندگی اسلامی است که سعادت دین و دنیا را به همسره دارد. در **مطلب حاضر یکی از مهم‌ترین قواعد زندگی از منظر پیامبر (ص)** که یک قاعده طلایی است تبیین و واکاوی شده است.

چگونگی تعامل صحیح با دیگران

انسان موجودی اجتماعی است. آموزه‌های اسلامی که براساس فطرت است (روم، آیه ۳۰) بر آن است که سعادت دنیا و آخرت را در چارچوب معرفت و عمل صالح از جمله عمل اجتماعی صالح تأمین کند؛ چراکه بدون عمل اجتماعی، انسان نمی‌تواند سعادتمند شود. (سوره عصر)

اما همیشه نوع تعامل با دیگران مسئله همسر و فرزند تا دیگر افراد جامعه را دربرمیگیرد. این امر بسیار مهم برای هر انسانی بوده است؛ زیرا تفاوت‌های روحی و روانی و تفاوت‌ها در نیازها و خواسته‌ها، موجب تضاد منافع و تقابله میان افراد جامعه می‌شود. از همین‌رو بخش اعظم آموزه‌های دستوری اسلام بر روابط اجتماعی و تعاملات اجتماعی و تبیین حقوق، اختصاص یافته است.

تلاش آموزه‌های قرآنی و اسلامی آن است که ما معیار زندگی درست و تعامل صحیح با دیگران را بیابیم و براساس آن عمل کنیم تا سعادت دنیا و آخرتمان تأمین شود. اما مشکل بسیاری از مردم این است که هیچ‌سایر آموزه‌ها و تعامل بسیاری با دیگران در هر لحظه از عمر امکان نمی‌دهد تا هر دم به ارزیابی صحیح و بطلان عمل خود بپردازیم و درستی و نادرستی آن را ارزیابی کنیم.

از این‌رو همواره یک پرسش برای همگان وجود دارد که در یک کلمه چه معیاری وجود دارد که موفقیت خود را در تعامل صحیح با دیگران بسنجیم؟ آیا ما دارای یک معیار درونی و همیشگی هستیم که داوری و ارزیابی درستی در این‌باره داشته باشیم؟ آیا می‌توانیم بدون مراجعه به کسی یا چیزی در

هر لحظه دریاسیم که عملی که انجام می‌دهیم درست و نادرست و صحیح و غلط است؟ چه شاخص درونی وجود دارد که ما هرگاه اشتباه و خطا می‌کنیم ما را بازدارد و به اصلاح و تصحیح عمل مجبور سازد؟

خودمعیاری انسان براساس فطرت
پیامبر(ص) به این پرسش که آیا یک معیار دقیق و علمی و درونی و همیشگی وجود دارد؟ پاسخ مثبت می‌دهد و می‌فرماید: هر که در درون خود یک معیار و شاخصی دارد که هر لحظه و هر ساعت می‌تواند اعمال خویش را با آن ارزیابی کند. این معیار همان فطرت پاک انسانی است که خداوند در درون همگان تعبیه کرده است و انسان می‌تواند با مراجعه به خود، اعمال و تعاملات خویش یا دیگران را ارزیابی کند.

شخصی نزد پیامبر(ص) آمد تا عملی را پیامبوزده که بدان خود را همواره مورد سنجش قرار دهد و بتواند نسبت خود را با خدا و بهشت ارزیابی کند. در روایت آمده است: «قال رجل لنبی(ص) یا رسول‌الله! عملی عملا لا یحالی بینه و بین الجنه؟» یعنی لاتغصب و لاتتسالم الاصلحی و شتیبا و ارض للناس ما ترضی لنفسک؛ شخصی از پیامبر اسلام پرسید: «ای فرستاده خدا!کاری به من یاد بده که میان

*** انسان وقتی دارای نفس سالم و فطرتی پاک و الهی باشد، دیگر نیازی نیست که از بیرون کسی او را مواخذه و مجازات کند، بلکه خود شخص به مواخذه و مجازات خویش اقدام می‌کند و به اصلاح و تصحیح رفتارش می‌پردازد. از همین رو افراد دارای فطرت سالم و قلب سلیم، در صورت اشتباه و خطا و در حق دیگری به سرعت عذر و پوزش می‌طلبند و به اصلاح فاسد می‌پردازند.**

آن عمل و بهشت فاصله‌ای نباشد.» پیامبر فرمود: «عصبانی مشو و از مردم چیزی طلب مکن و آنچه را برای خود می‌پسندی برای مردم نیز همان را بپسند» (امالی موسوی، ص: ۵۰۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص: ۲۲۲؛ بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۷۲ و ج ۴۷، ص: ۲۷ص ۱۱۵)

در جایی دیگر پیامبر آمده است که عرب یادبهبشتی نزد پیامبر آمد و رکاب شتر پیامبر(ص) را گرفت و گفت: ای رسول خدا! چیزی به من یاد بده که به وسیله پیامبر فرمود: «آنچه را که دوست داری دیگران نسبت به تو روا دارند، تو

آن فطرتی می‌تواند معیار سنجش حق و باطل و درست و نادرست باشد که از بیمار دلی سالم مانده و گرفتار زنگار و مهر نشده باشد.

اما اگر فطرت، سلامت خود را از دست بدهد، به طور طبیعی عمل و رفتار نمی‌کند. از همین رو حقایق را وارونه می‌بیند و تفسیر می‌کند و به جای گرایش به خیر به سوی شر می‌رود و به جای آنکه در پی مصادیق کمالی حقیقی باشد، به سوی مصادیق کمالی دروغین می‌رود. این گونه است که بیمار دلانی چون منافقان هنجارها و ارزش‌ها را ضد ارزشی دانسته می‌کنند و تفهاری نابهنجار و زشت خویش را هنجار ارزشی می‌کنند و وقتی به آنان کرهته نفسک فاکرک لغیرک و ما احببته لنفسک فاحبیه لاخیک تکن عادلانی حکمک مقسطا فی عدلک محبا فی اهل السماء مودودا فی صدور اهل الازرا! احفظ وصیتی ان شاءالله تعالی»؛ ای علی! هرچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران میسند و آنچه برای خود می‌خواهی برای دیگران هم بخواه؛ در این صورت در قضاوت خویش دادگر و در دادگریات یکسان نگر خواهی بود و اهل آسمان تو را دوست خواهند داشت و در سینه‌ها ز زمین به محبت جای خواهی گرفت. این سفارش مرا به خواست خدا به خاطر بسیار

و بر آن محافظت نما. (تحفالعقول ص ۱۱۳؛ بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۸۶)
امام علی(ع) می‌فرماید: «جعل نفسک میزاننا فیما بینک و بین غیرک، فأحبب لغیرک ما تحب لنفسک واکره له ما تکره لیه؛ خود را میزان میان خود و دیگران می‌داری، برای دیگران هم دوست بدار و آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران هم میسند. (تهج‌البلاغه، نامه ۳۱)

از این روایات می‌توان دریافت که حضرت رسول(ص) با بیان یک قاعده طلایی بر آن است تا انسان به خود ارزیابی در عملش اقدام کند و وضعیت خود را با خدا و بهشت و سعادت مشخص کند. اگر انسان بتواند به این معیار مراجعه کند دیگر نیازی نیست که از کسی چیزی

از همین رو گفته شده النفس فی وحدته کل القوی؛ نفس در کمال وحدتش همه قوای انسانی است. پس اگر نفس انسانی همان قوه غضب و قوه شهوت و قوه عقل است؛ همچنین دارای کارکردهای دیگری است که چراغ بودن، محرک و مشوق بودن، محاسبه‌گری و داوری نیز از جمله اعمال اوست. پس وجدان، امری جدا از همان نفس است.

اگر نفس در حالت اعتدالی که خداوند ساخته باقی بماند، به‌طور طبیعی همان

همانند کسی است که در ظلمات، ناگهان با رعد و برقی مواجه می‌شود که اطراف او را با غرشی مهیب و نوری شدید روشن می‌کند. این نور چنان شدید است که نور عملی به کمال برساند؛ همچنین همین نفس این ظرفیت را داراست که خود به ناگهان در تاریکی شدیدتر قرار می‌گیرد. از همین رو چنین اشخاصی نمی‌توانند از آموزه‌های روشنگر و هدایت‌کننده قرآن و دیگر کتب الهی بهره‌مند شوند. (قرن آیات ۱۷ تا ۲۰)

اما کسی که فطرت خویش را در حالت اعتدال الهی حفظ کرده، نه تنها از یک شاخص درونی برای شناخت و حرکت استفاده می‌کند، بلکه می‌تواند از شاخص‌های بیرونی چون وحی نیز بهره‌مند شود و گام‌هایی محکم و استوار بر او روشنایی عقل و فطرت و وحی با اطمینان بردارد و به کمال دست یافته و از نواقص رهایی یابد.

در آموزه‌های قرآنی برای تبیین حقیقت فطرت اصطلاحات و واژه‌گان چون فطرت، قلب، عقل و نفس به کار رفته است. برخی از کاربردهای قرآنی قلب و عقل ناظر به همان فطرت است. گریزش یافته و از شر و باطل و بی‌عدالتی گریزان باشند. (شمس، آیات ۷ تا ۱۰) اما بسیاری از مردم به دلایلی فطرت خود را می‌پوشانند و اجازه نمی‌دهند تا آن همانند چراغی روشنگر باشد و پیش آن‌ها تان را روشن سازد و حق و باطل را نشان دهد؛ و گرایش به خیر و عدالت و حق داشته باشد. (شمس، آیات ۷ تا ۱۰)

و تمایلات است. این مجموعه که در ذات هر انسانی تعبیه شده شامل توانایی معرفتی و گرایشی به خیرها و کمالات و گریز از باطل و نواقص است. انسان‌ها به طور فطری از الهامات تقوایی و جوی‌های برخوردارند و می‌توانند حق و باطل و خیر و شر را بشناسند و همچنین به خیر و حق گرایش یافته و از شر و باطل و بی‌عدالتی گریزان باشند. (شمس، آیات ۷ تا ۱۰) اما بسیاری از مردم به دلایلی فطرت خود را می‌پوشانند و اجازه نمی‌دهند تا آن همانند چراغی روشنگر باشد و پیش آن‌ها تیره‌پوشی برود و امری جدا از فطرت می‌دانند که تحلیل و توصیف نارواست؛ زیرا همان فطرتی که به سنجش

معارف Maaref@Kayhan.ir

ابعاد شخصیتی امام خمینی (ره) از منظر رهبر معظم انقلاب بخش دوم

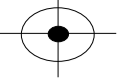
هضم در اراده خدا
نکته آخری که من می‌خواهم عرض کنم، این است که همه اینها را امام از عمل به دین، از پایبندی به دین، از تقوا و از مطیع امر خدا بودن داشت. خود او هم بارها این مضمون را در گونه‌گونه کلمات خود بر زبان می‌آورد و بیان می‌کرد: هرچه هست، از خاست. او همه چیز را از خدا می‌دانست؛ هضم در اراده خدا بود؛ حل در حکم الهی بود؛ انقلاب را خدا پیروز کرد؛ خرمشهر را خدا آزاد کرد؛ دل‌های مردم را خدا جمع کرد. او همه چیز را در منظر الهی می‌دید و عامل به احکام بود؛ خدای متعال هم در‌های رحمت را بر روی او باز کرد. (آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، بیانات، سال۱۳۷۸، ص۱۴۶)
خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۴/۰۳/۱۳۷۸)

قدرت تأثیرگذاری بالا
در میان پرورش‌یافتگان این استان و این شهر، علمای بزرگی بودند که در رأس آنها شخصیتی است که ایران بزرگ کهن ریشه‌دار تاریخی ما به عظمت او، به بزرگی و نفوذ او، به تأثیرگذاری او کمتر کسی را در تاریخ خود سراغ دارد؛ و از امام بزرگوار ما، امام‌روح‌الله الموسوی‌الخمینی است. استخوان‌پندی علمی امام عزیز ما در همین شهر نشما به وجود آمد. (آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، بیانات، سال ۱۳۷۹، ص ۱۲۳-۱۲۴)
بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک، ۲۴/۰۸/۱۳۷۹)

او با عصری که روزها و ساعات‌ها و لحظه‌هایش با مراقبه و محاسبه سپری می‌شد، صدها آیه قرآن را که در توصیف مخلصین و متقین و صالحین است، مجسم شهرتانی، و رئیس و پرسنل سازمان پلیس مخلصین و متقین و صالحین است، مجسم عینی ساخت. او قرآن را نه فقط در محیط زندگی جامعه و با تشکیل جامعه اسلامی، بلکه در نفس خود و زندگی خود تسلیق بخشید. (آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، مکتوبات، سال۱۳۶۸، ص۱۴۹)
پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهارمین روز ازتحال حضرت امام خمینی(ره)،۱۳۲۲/۰۴/۱۳۶۸)

او بت‌ها را شکست و باورهای شرک‌آلود را زدود. او به همه فهماند که انسان کامل شدن، علم‌وار زیستن و تا نزدیکی مرزهای عصمت پیش رفتن، افسانه نیست. او به ملت‌ها نیز فهماند که قوی شدن و بند اسارت گسستن و بنچه در بنچه سلطه‌گران انداختن، ممکن است. لمعات قرب حق را صاحبان بصیرت در چهره منور او دیدند و پرم تلّ الهی را که در حیات و ممات بر او می‌بارید، همه چشیدند. دعای او مستجاب شد که می‌گفت: «آلهی لسم بزرگ تلّ علیّ ایام حیاتی، فلا تقطع بزرک عتی فی مماتی» (ابن طاووس، الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۳، ص ۲۹۶) (آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، مکتوبات، سال۱۳۶۸، ص۱۴۹)
پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهارمین روز ازتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۲۲/۰۴/۱۳۶۸)

اظهار کوچکی و تواضع و خاکساری امام(ره) در برابر معصومین(ع)
شخصیت عظیم رهبر کبیر و امام عزیز ما، حقاً و انصافاً پس از پیامبران خدا و اولیای معصومین(ع) با هیچ شخصیتی دیگری قابل مقایسه نبود. او دویعه خدا در دست ما، خدای خدا بر ما، و نشانه عظمت الهی بود. وقتی انسان او را می‌دید، عظمت بزرگان دین را باور می‌کرد. ما نمی‌توانیم عظمت پیامبر(ص)، امیرالمؤمنین(ع)، سیدالشهدا(ع)، امام صادق(ع) و بقیه اولیا را حتّی درست تصور کنیم؛ ذهن ما کوچک‌تر از آن است که بتواند عظمت شخصیت آن بزرگ‌مردان را در خود بگنجاند و تصور کند؛ اما وقتی انسان می‌دید شخصیتی با عظمت امام عزیزمان با آن همه ابعاد گوناگون: ایمان قوی، عقل کامل، دارای حکمت، مؤسسه‌دنی، صبر و حلم و منات، صدق و صفا، زهد و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا، تقوا و ورع و خداترسی و عبودیت مخلصانه برای خدا، دست‌نیافتنی است، و مشاهده می‌کرد که همین شخصیت عظیم، چگونه در برابر آن خورشیدهای فروزان آسمان ولایت، اظهار کوچکی و تواضع و خاکساری می‌کند و خودش را در مقابل آنها ذره‌ای به حساب می‌آورد، آن وقت انسان می‌فهمید که پیامبران اولیای معصومین(ع) چقدر بزرگ بودند. (آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، بیانات، سال۱۳۶۸، ص۱۷۶-ص سخنرانی در مراسم بیعت گروه کثیری از فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت سپاه، ۱۷/۰۳/۱۳۶۸)
مشخصه دیگر عصری که امام وجدان او بودند، عبارت است از گرایش بتخواهد رفتار دیگران انسانی و عدالت و حریت و آرای مردم. همان شخصیت با عظمت که امروز مردم دنیا و دشمنان او نیز بهبود بخشید. اگر هر کسی این‌گونه عمل کند به طور طبیعی روابط سالم در جامعه ایجاد می‌شود و گسترش می‌یابد و جمع‌های معتدل و سالم فراهم می‌آید و سعادت دنیا و آخرت مردم تضمین و تأمین می‌گردد. در عین حال هیچ‌گاه شاهد اتیوه پرونده‌های قضایی و حقوقی و کیفری میلیون‌ری محاکم و مراکز قضایی نخواهیم بود.



معلم اخلاق طراح فکری و امام هدایت

■ علی قنبریان

در بخش نخست، شخصیت حضرت امام خمینی (ره) از بُعد فردی از زبان و قلم و رهبر معظم انقلاب مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. فقیه، معلم اخلاق، بی‌باکی و بی‌طمعی، ایمان، عمل صالح، تزکیه و تهذیب نفس، عبادت و توسل، زهد و پارسایی، توکل، صداقت، رعایت تقوا، مطهر نوآوری علمی، جمع بین صفات ممتاز، مهربان و لطیف، به‌عنوان بر خ از ویژگی‌های فردی ایمانش مطرح بنشد. اینک ویژگی‌های دیگری از امام روح‌الله(ره) که در دو بعد فردی و اجتماعی تقسیم بندی شده، تقدیم خواننده گان عزیز می‌شود.

نکته مهم وجود دارد: امام بزرگوار حتی در میدان مبارزه هم نتواست جلو بیفتد. خود ایشان برای ما نقل کرد که در اوّل شروع نهضت، در منزل مرحوم آیت‌الله حائری، با یک نفر از مراجع معروف وقت آن زمان، و از همسوره‌های خودشان صحبت می‌کرد و به ایشان گفته بود شما جلو بیفتید، ما هم دنبال شما حرکت می‌کنیم. امام مقصودش این بود که تکلیف انجام بگیرد؛ آن فرضیه‌ای را که بر دوش خود احساس می‌کرد، انجام دهد؛ جلو افتادن مطرح نبود. البته دیگران آن قدر توانایی و جرئت ورود در این میدان را نداشتند و به امام نمی‌رسیدند. امام بطور طبیعی رهبری و سررشته‌داری این حرکت را بر عهده داشت. این مبارزه را شروع کرد و به مردم تکیه نمود. (آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، بیانات، سال۱۳۷۸، ص۱۴۲)
خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۴/۰۳/۱۳۷۸)

دوران تبعید امام، ابعاد تازه‌ای از شخصیت این مرد کنایپر و حقیقت‌انستابنی در زمان ما پرور کرد؛ چیزهایی که انسان در زندگی شخصیت‌های بزرگ، بعضی از آن‌ها را به‌ندرت مشاهده می‌کند. اوّلاً او در موضع یک طراح فکری و به قول معروف مذاکرات سیاسی، یک تئوریسین قرار می‌گیرد که طرح یک حکومت را بر عهده داشت، و طرح یک بنا و دستگاه جدید را می‌ریزد؛ آن هم طرحی که هیچ‌گونه سابقه موجود و محوسسی در مقابل چشم ندارد. بنای اسلامی، با توجه به نیازهای دنیای جدید و مسائلی که در دنیا مطرح است؛ ترکیب این دو مسئله، می‌شود طراحی یک نظام، نائیا این مرد دایینکه در ایران نبود، اما از دور، مدت چهارده سال قضایای مبارزات اسلامی و نهضت اسلامی در ایران را با هم‌معنای واقعی کلمه رهبری کرد. در طول این مدت چهارده سال و بخصوص چند سال اخیر یعنی از سالهای ۵۰ و ۴۹ تا ۵۴ و ۵۵ شدّت اختناق و فشار خود جلب می‌کرد، همین مردی بود که آن روز در میان شاگردانش به عنوان «حاج آقا روح‌الله» شناخته می‌شد. مجموعه جوانان فاضل و درس‌خوان و پژوهش در محفل درس او جمع بودند. سا در چنین فضای وارد قم شدیم. (آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، بیانات، سال۱۳۷۸، ص۱۴۲)
خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۴/۰۳/۱۳۷۸)

دیدم- البته قبل از آن در مشهد شنیده بودیم که در قم یک مدرّس و استاد بزرگی هست که جوان‌پسند و برجسته است. طلبه جوانی که به قم وارد می‌شود، دنبال اسناد می‌گردد. در حوزه‌های علمیه، انتخاب استاد، اجباری نیست و هرکس طبق سلیقه و سلیقه خود، استاد را انتخاب می‌کند. استادی که سلاب جوان و مشتاق را در وهله اوّل به خود جلب می‌کرد، همین مردی بود که آن روز در میان شاگردانش به عنوان «حاج آقا روح‌الله» شناخته می‌شد. مجموعه جوانان فاضل و درس‌خوان و پژوهش در محفل درس او جمع بودند. سا در چنین فضای وارد قم شدیم. (آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، بیانات، سال۱۳۷۸، ص۱۴۲)
خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۴/۰۳/۱۳۷۸)

یوشاویوش از قدیمی‌تر‌ها شنیدیم که این مرد هیچ تشکیلات حزبی در داخل کشور نداشت؛ ندعای شاگردان و دوستان و آشناانش به فکر او و متن مردم بودند. امام هم وقتی در اعلامیه‌ها پیام می‌داد، مخاطب او، آن مردم و دوستان و آشنایان مخصوص او نبودند؛ مخاطب او، متن مردم بودند. او با متن مردم و توده مردم حرف می‌زد و آنها را هدایت می‌کرد. و توانست در طول چهارده، پانزده سال، از راه دور این مایه فکر اسلامی و نهضت اسلامی را اوّلاً در ذهن‌ها عمیق کند، ثانیاً در سطح جامعه توده‌ها به برای اکثر مردم در آن روز فقط به عنوان یک استاد عالم و شاگردپرور و یک تهذیب‌کننده اخلاق طلب و شاگردان شناخته می‌شد. (آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، بیانات، سال۱۳۷۸، ص۱۴۲)
خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۴/۰۳/۱۳۷۸)

هوشیاری و تیزفهمی توأم با غیرت دینی
بعد از گذشت حدود یک سال و نیم از فزوت مرحوم آیت‌الله روح‌وردی، نهضت اسلامی شروع شد. در نیمه دوم سال ۱۳۴۱، بُعد دیگری از ابعاد این شخصیت آشکار شد و آن، هوشیاری و تیزفهمی و توجه به نکاتی

امام (ره) فقط یک رهبر سیاسی و یک مقام در سلسله مراتب تشکیلاتی کشور نبود؛ او پشتوانه معنوی و روحی و مایه امید ما بود؛ وزنه بزرگ و قله عظیمی بود که دائم می‌جوید و هرکس را به قدر ظرفیتش سیراب و بهره‌مند می‌کرد.

که غالباً به آن توجه نمی‌کردند، از یک طرف، و غیرت دینی از طرف دیگر بود. خیلی‌ها شنیدند که تصویب نامه دولت در آن زمان، قوی، غلبه خود را بر افکار دیگر ثابت و آشکار کرد. در همه‌ی قضایای مهم، حضور امام، محسوس بود. در سال ۱۳۳۷، امام در نجف مرکز قهاقت فکر «ولایت فقیه» را با اکتاف به مرکز فقیه‌های فراوان و مقاصد زیادی هست. این انسان صاحب‌نظری که با مسائل سیاسی روز قهقت شیعه آمده؛ کاری که امام کرد، این بود که با آنکه مجلس شورای ملی آن زمان، مجلس فرمایشی بود خودشان آن را تشکیل می‌دادند و فقط نامزدهای مورد قبول خودشان به آنجا می‌رفتند؛ در واقع انتخاب مردم وجود نداشت و انتصاب بود با وجود این، آن رژیم جرئت نکردن آن مقرّرات مربوط به اینجمن‌ها و میلیونه‌ها انسان را خدایی کند و راه اسلام، به زندگی قرار دهد و اسلامی را که همه قدرت‌های دنیا علیه او بسیج شده بودند، عزیز کند و معنویت و ارزشهای منزوی‌شده معنوی را دوباره احیا نماید. (آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، بیانات، سال۱۳۶۸، ص۱۹۰-ص سخنرانی در مراسم بیعت وزیر کشور به همراه معاونان، مشاوران و استادانارن سراسر کشور، ۱۹/۰۳/۱۳۶۸)

ارزش‌های منزوی شده
عامل موفقیت رهبر عظیم‌الشأن ما- آن امام استثنایی و بی‌نظیر- این بود که توانست اقیانوس عظیمی را این‌طور به حرکت درآورد و میلیونه‌ها انسان را خدایی کند و راه اسلام، به زندگی قرار دهد و اسلامی را که همه قدرت‌های دنیا علیه او بسیج شده بودند، عزیز کند و معنویت و ارزشهای منزوی‌شده معنوی را دوباره احیا نماید. (آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، بیانات، سال۱۳۶۸، ص۱۹۰-ص سخنرانی در مراسم بیعت وزیر کشور به همراه استان همدان و شهرهای ساری و ساوه، ۵/۰۴/۱۳۶۸)

مدرّس و استاد بزرگ
من از سال ۳۷ شروع می‌کنم، سالی که خودم به قم رفتم و اوّل‌بار امام را از نزدیک

او پشتوانه معنوی و روحی و مایه امید ما بوده؛ وزنه بزرگ و قله عظیمی بود که دائم می‌جوید و هرکس را به قدر ظرفیتش سیراب و بهره‌مند می‌کرد. (آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، بیانات، سال۱۳۶۸، ص۱۲۵-ص سخنرانی در مراسم بیعت وزیر کشور به همراه معاونان، مشاوران و استادانارن سراسر کشور، ۱۹/۰۳/۱۳۶۸)

احیای معنویت
و ارزش‌های منزوی شده
عامل موفقیت رهبر عظیم‌الشأن ما- آن امام استثنایی و بی‌نظیر- این بود که توانست اقیانوس عظیمی را این‌طور به حرکت درآورد و میلیونه‌ها انسان را خدایی کند و راه اسلام، به زندگی قرار دهد و اسلامی را که همه قدرت‌های دنیا علیه او بسیج شده بودند، عزیز کند و معنویت و ارزشهای منزوی‌شده معنوی را دوباره احیا نماید. (آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، بیانات، سال۱۳۶۸، ص۱۹۰-ص سخنرانی در مراسم بیعت وزیر کشور به همراه استان همدان و شهرهای ساری و ساوه، ۵/۰۴/۱۳۶۸)

مدرّس و استاد بزرگ
من از سال ۳۷ شروع می‌کنم، سالی که خودم به قم رفتم و اوّل‌بار امام را از نزدیک